

تبیین نقش نیروی دریایی راهبردی ارتش در به کارگیری مین‌های دریایی جهت دفاع از مرزهای آبی کشور در چهارچوب حقوق بین‌الملل



بهزاد سیفی، استادیار حقوق دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر
علی عبدالله حبیب نوری، استادیار حقوق دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر
مهدی عاقل پور، دانشجوی کارشناسی ارشد ناوبری و عملیات دریایی

چکیده

نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران جهت حفظ و دفاع از مرزهای آبی کشور در زمان صلح و جنگ، همچنین افزایش اقتدار و توان بازدارندگی بعد از انقلاب اسلامی ایران شروع به تحقیق و پژوهش در زمینه فناوری مین‌های دریایی نموده است تا بتواند در مواقع لزوم و همچنین شرایط بحرانی اقدام به استفاده از این فناوری نماید. به صورت کلی مین‌های دریایی جهت خسارت شدید به شناورهای دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرد که به دنبال آن تأثیر بسیار منفی در توان روحی و روانی دشمن می‌گذارد. از مزیت‌های مین‌های دریایی می‌توان به ارزان بودن، قابلیت حمل آسان توسط شناورهای مختلف، مورد استفاده در جنگ‌های نامنظم، قابلیت رها شدن از هواپیما و شناورهای مختلف سطحی و زیرسطحی با توجه به نوع مین، اشاره نمود.

با اینکه استفاده از مین‌های دریایی برای نیروی دریایی یک امتیاز محسوب می‌شود؛ اما بایستی به قواعد حقوق و کنوانسیون‌های دریاها نیز در این زمینه توجه لازم به عمل آید. مین‌گذاری در زمان صلح و شرایط بحرانی می‌تواند مخاطراتی برای حق عبور و مرور و آزادی کشتیرانی صلح‌آمیز در قلمروهای مختلف دریایی در برداشته باشد. کنوانسیون حقوق دریاها تلویحاً فعالیت‌های نظامی در عرصه دریا را پذیرفته است که این نقش بر عهده نیروهای دریایی است؛ بنابراین نیروی دریایی بایستی آموزش‌های لازم را به کارکنان خود جهت به کارگیری این نوع سلاح با توجه به قواعد حقوق دریاها بدهد تا از هرگونه مسئولیت بین‌المللی جلوگیری نماید. در نتیجه آموزش قواعد کنوانسیون حقوق دریاها به کارکنان نیروی دریایی هم از ایجاد مسئولیت بین‌المللی دولت جلوگیری می‌شود و هم زمینه به کارگیری مشروع هر نوع فناوری دریایی، از جمله مین‌های دریایی را مطابق با قواعد کنوانسیون حقوق دریاها فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: نیروی دریایی، مین دریایی، حقوق بین‌الملل و کنوانسیون دریاها



درآمد

مین وسیله‌ای است که به منظور غرق نمودن و یا خسارت رساندن به کشتی‌ها، کنترل مناطق موردنیاز و جلوگیری از ورود کشتی‌های دشمن به منطقه خاصی در آب کار گذاشته می‌شود. به‌طور کلی به‌کارگیری مین آسان ولی جمع‌آوری آن مشکل است (آزاد، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

استفاده از مین‌های دریایی یکی از ارزان‌ترین و مخرب‌ترین سلاح‌ها با طول عمر زیاد و کمترین هزینه نگهداری می‌باشد. مین‌های دریایی را به عنوان آفندی و پدافندی می‌توان به کار برد. مین‌های دریایی قابل رها کردن توسط یگان‌های پروازی، سطحی و زیرسطحی می‌باشند (همان).

هنوز برخی از افسران نیروی دریایی، جنگ مین را به دید سطحی نگریسته و آن را در صحنه‌های نبرد دریایی، مهم و سرنوشت‌ساز به حساب نمی‌آورند. در صورتی که جنگ‌های اخیر نشان داده است، حتی با به‌کارگیری مین‌های اولیه در مناقشات بین‌المللی، نیروی دریایی قوی با کارکنان مجرب و ورزیده و تجهیزات مدرن و کامل جهت پاکسازی مناطق و گذرگاه‌ها را طلب می‌نماید (همان).

اولین مین دریایی در سال ۱۷۷۶ میلادی توسط یک آمریکایی به نام دیوید بوش نل اختراع گردید که آن را مین ماشه‌ای نامید، این مین درواقع یک بشکه نفوذناپذیر و ضد آب پر شده از پودر باروت بود که از یک شناور آویزان می‌شد؛ به همین دلیل به آن اژدر نیز می‌گفتند. این مین‌ها اولین بار در سال ۱۷۷۷ زمانی که جرج واشنگتن جهت نابودی و انهدام یک ناوگان جنگی بریتانیایی که در رودخانه دلاوار نزدیک فیلادلفیا لنگر انداخته بودند استفاده گردید که موفقیت‌آمیز نبود، لیکن از آن زمان مین دریایی به عنوان یک سلاح ارزان اما

بسیار مؤثر در جنگ‌ها استفاده گردید. در سال ۱۷۹۷ رابرت فولتون مینی را اختراع کرد که درون زیردریایی قرار می‌گرفت. در سال ۱۸۱۲ پاول شلینگ روسی با استفاده از کابل‌های عایق دار متصل به فیوزی از جنس کربن که در داخل باروت مین جاسازی شده بود وسیله‌ای جهت انفجار مین از راه دور اختراع نمود. شلینگ در سال ۱۸۳۷ قبل از اینکه سامانه انفجاری ابداعی وی به‌طور گسترده به کار گرفته شود درگذشت، اما ایده و کار وی توسط یک گروه کاری در آکادمی سلطنتی علوم روسیه ادامه پیدا کرد و سامانه انفجاری قابل کنترل الکتریکی مین، پیشرفت عمده‌ای نمود. یکی از اعضاء این آکادمی بعداً بر اساس همان ایده، یک سامانه انفجاری که بر اساس برخورد و فعل و انفعالات شیمیایی کار می‌کرد را ابداع نمود.

طبق کنوانسیون هشتم لاهه، ۱۹۰۷، در صورت ایجاد میادین مین که برای کشتیرانی کشورهای بی‌طرف تهدید ایجاد می‌نماید، موقعیت این میادین می‌بایستی اعلام گردد. پس از پایان درگیری، مین‌ها باید پاک‌سازی گردند.

در جنگ جهانی اول مین‌های دریایی به‌عنوان اصلی‌ترین و مؤثرترین سلاح نیروهای متحد علیه زیردریایی‌های آلمانی ظهور کردند. مین‌گذارهای انگلیسی و آمریکایی در یک‌زمان بیش از ۷۲۰۰۰ فروند مین را در دریای شمال با طولی حدود ۲۵۰ مایل که از اسکاتلند تا نروژ گسترده شده بود کار گذاشتند، این مانع و سد عظیم سبب غرق شش فروند زیردریایی و صدمه دیدن تعداد بیشتری از آنها گردید و فرماندهان زیردریایی را مجبور نمود که در معرض انهدام قرار گیرند یا اینکه سوخت و زمان بالارش خود را جهت اجتناب از این سد تلف نمایند (طحانی، غلامرضا، ۱۳۹۱: ۷۸).

در جنگ تحمیلی سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۰ عراقی‌ها توانستند از روی مین ماننا، مینی به نام سومر ۲۵۰ را بسازند. عراقی‌ها از این مین در جنگ اول خلیج فارس در برابر نیروهای ائتلاف استفاده کردند، اما نتیجه‌ای به دست نیاوردند. طی سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۸۰ نیروی دریایی آمریکا صدمات زیادی از جانب مین‌ها دید. فریگیت ساموئل بی روبرت و ناو بالگردبر تریپولی با مین‌های تماسی برخورد و صدمات قابل توجهی دیدند. همچنین کشتی‌های نفت‌کش بسیاری نیز در خلیج فارس با مین برخورد کردند (طحانی، غلامرضا، ۱۳۹۱: ۷۹).

فناوری مین‌های دریایی، یکی از ابزارهایی است که دارای کارکردی دوگانه می‌باشد؛ و ابزاری مؤثر در زمان صلح و شرایط بحرانی و همچنین در زمان جنگ می‌باشد که کنوانسیون هشتم لاهه ۱۹۰۷ به‌کارگیری مین‌های تماسی را در زمان مخاصمه مسلحانه دریایی قاعده‌مند نموده است. مین‌های دریایی برای مدت‌زمان طولانی است که به‌عنوان یک سلاح نسبتاً ارزان و بالارزش تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیکی قابل توجهی، شناخته شده‌اند. درواقع، ریختن مین‌های دریایی در زمان صلح یک انتخاب حقوقی برای دولت‌ها در آب‌های داخلی و دریای سرزمینی‌شان و حتی در قلمرو آب‌های بین‌المللی می‌باشد؛ با توجه به این انتخاب حقوقی، دولت مربوطه می‌تواند با رعایت قواعد مربوط به مین‌گذاری از قبیل، دادن یک اخطار صریح و مؤثر به دریانوردان، نسبت به مین‌گذاری اقدام نماید (سیفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۷). باین‌وجود، همگام با رشد روزافزون فناوری‌های مین دریایی، مناطق دریایی تحت حاکمیت دولت ساحلی نیز به‌طور عمده در عرض دریا توسعه یافته و نه تنها به‌طور قابل قبولی عرض دریا سرزمینی به ۲۱ مایل دریایی افزایش پیدا کرده است،

بلکه شمار تنگه‌های بین‌المللی نیز که با دریای سرزمینی همپوشانی پیدا کرده‌اند نیز افزایش یافته است، مفهوم تازه‌ای از آب‌های مجمع‌الجزایری، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره نیز به وسیله حقوق بین‌الملل دریاها شناسایی شده است؛ بنابراین هنگامی که کشورها، دست به اقدامات نظامی در مناطق دریایی بین دریای سرزمینی و دریای آزاد می‌زنند ملزم به رعایت قواعد مقتضی نسبت به حقوق دولت ساحلی و سایر تعهدات بین‌المللی در این مناطق هستند (همان). در این بین حقوق بین‌المللی عرفی، همان‌طور که در کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ انعکاس یافت، به کشتی‌های خارجی متناسب با قلمروهای دریایی حقوق و صلاحیت‌هایی از قبیل انجام فعالیت‌های نظامی، حق بی‌ضرر، عبور ترانزیت، آزادی کشتیرانی و ... را اعطاء نموده است که موجب ایجاد اختلافات حقوقی و تفسیرهای گوناگونی گردیده است.

مین‌گذاری در دریا در زمان صلح و شرایط بحرانی مخاطراتی را در بردارد و درواقع در هر کدام از قلمروهای دریایی در تقابل با آزادی و حق عبور و مرور و نیز آزادی کشتیرانی صلح‌آمیز می‌باشد که افراط و تفریط در این موضوع، می‌تواند مخاطراتی برای صلح و امنیت بین‌المللی در برداشته باشد. بسته به نوع هر کدام از مین‌ها تعهدات دولت‌ها متفاوت خواهد بود. در همین راستا به کارگیری آنها در عملیات‌ها و مأموریت‌های دریایی این ضرورت را می‌طلبد که به وضعیت حقوقی به کارگیری آنها بپردازیم. باین وجود به کارگیری قواعد حقوقی پیشین و پسین برای فناوری‌های جدید مسائلی را ایجاد می‌نماید که آیا این قواعد برای شفاف‌سازی ویژگی فناوری‌های خاص و شاید غیرقابل پیش‌بینی کافی هستند (همان: ۱۴۸).

مهم‌ترین راه برای شفاف نمودن این مسائل ترویج و آموزش اصول و قواعد حقوقی است که امروزه، به‌منظور پیشگیری از گسترش دامنه جنگ‌ها و رعایت معیارهای انسانی و اخلاقی در زمان صلح به‌صورت یک جنبش جهانی درآمده است (همان). نیروی دریایی که به‌عنوان بخش مهمی از سازمان‌های دولت محسوب می‌شود به اعمال اقتدار و نمایش پرچم دولت متبوع می‌پردازد؛ درواقع بازوی نظامی یک دولت در عرصه دریا که بخش مهمی از عرصه بین‌المللی است. عدم آشنایی با قواعد حقوق دریاها می‌تواند موجبات مسئولیت دولت را در برداشته باشد. بدیهی است که کنوانسیون حقوق دریاها انجام فعالیت‌های نظامی در عرصه دریا را پذیرفته که این نقش بر عهده نیروهای دریایی می‌باشد. یکی از مهم‌ترین ابزارهای دریایی که مورد استفاده نیروهای دریایی قرار گرفته می‌شود، مین‌های دریایی است که عدم آشنایی با قواعد کنوانسیون حقوق دریاها و قلمروهای به کارگیری آنها نه تنها مخاطرات زیادی برای کشتیرانی صلح‌آمیز در پی خواهد داشت، بلکه موجبات مسئولیت سنگین بین‌المللی دولت را در عرصه دریاها پدید می‌آورد. بر همین اساس از آنجایی که یکی از اهداف پایه‌ای در آموزش نیروهای دریایی تضمین امنیت و حفظ تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران در پرتو احترام به حقوق بین‌الملل دریاها است، لذا هدف اصلی این پژوهش تبیین آموزش قواعد به کارگیری مین‌های دریایی با توجه به کنوانسیون حقوق دریاها به‌عنوان یکی از شاخص‌ها و معیارهای حقوق دریاها در اسناد بین‌المللی و داخلی است (همان). این تحقیق از نوع کاربردی-تدوینی با تأکید بر جنبه آموزش قواعد کنوانسیون حقوق دریاها در به کارگیری ابزارها و تجهیزات دریایی (با تأکید بر مین‌های

دریایی) می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای است که با رجوع به منابع از طریق کتب، اسناد، نشریات ادواری و اینترنت به داده‌های تحقیق دست می‌یابیم.

۱- تحلیل و بررسی مین دریایی

استفاده از مین‌های دریایی شیوه‌ای مشروع و به‌عنوان یکی از سلاح‌های قانونی در جنگ دریایی برای جلوگیری از ورود به یک منطقه ساحلی، بندری و برای مقابله با زیردریایی‌ها و کشتی‌ها استفاده می‌شوند. با توسعه و پیشرفت فناوری، مین‌های دریایی مدرن مبدل به سلاح‌هایی چند کاربرد و چندمنظوره شده‌اند. امروزه مین‌ها به مین‌های کنترل شده و مین‌های مستقل (مسلح شده)، تقسیم‌بندی می‌شوند. مین‌های کنترل شده می‌توانند بعد از ریخته شدن از طریق کدهای قرار داده شده فعال یا غیرفعال شوند؛ اما مین‌های مستقل بر سنسورهای آتش متکی می‌باشد. مین‌های مسلح شده آنهایی هستند که با یا توپی در کف اقیانوس مستقر می‌شوند و یا در سطح آب شناور می‌باشند و در انتظار برخورد با یک کشتی و انفجار هستند. درواقع تحولات فنی پس از انعقاد کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ به اختراع مین‌های رادیویی منجر شد که از جمله مین‌های هوشمند محسوب می‌شوند. این مین‌ها بدون برخورد فیزیکی با هدف منفجر شده و به مین‌های عمقی شهرت دارند. در ساختار این ادوات به‌منظور افزایش کارایی در انتخاب اهداف خود، از حسگرهای ترکیبی استفاده شده است تا بتوانند به اهدافی از قبیل انتخاب کشتی با مشخصات خاص، پس از عبور تعداد معینی از کشتی‌های خاص، فعال شوند، پس از طی زمان مشخصی از عبور کشتی و یا مخابره کد صوتی خاص، چاشنی به‌صورت تأخیری منفجر شود و پس از گذشتن مدت زمان مشخصی با



مخابره کد صوتی خاص فعال یا غیر فعال شوند، دست یابند (همان: ۱۴۹). مین‌های دریایی از جمله ابزارهایی هستند که قابلیت به‌کارگیری در هر دو زمان صلح و جنگ را دارند که به تناسب زمان به‌کارگیری (جنگ و صلح)، قواعد استفاده از آنها متفاوت است.

۱-۱- انواع مین‌های دریایی

۱- مین کنترل شونده: مینی که بعد از کارگذاری می‌تواند در کنترل مین‌گذار قرار بگیرد. درجه و میزان کنترل معمولاً تا حدی است که مین‌گذار می‌تواند آن را فعال، غیرفعال یا منفجر نماید.

۲- مین مستقل: مینی است که بعد از کار گذاشتن قابل کنترل نمی‌باشد.

۳- مین مهارشده یا لنگردار: یک مین ضربه‌ای یا تأثیری با شنآوری مثبت است که توسط یک مهار به لنگر و یا وزنه‌ای متصل و در زیر سطح آب نگه‌داشته می‌شود.

۴- مین‌های ناتوان (عمل نکردن مهار): یک مین مهارشده که به علت اشکال در مکانیزم رهاسازی، مهار آن عمل نکرده و در بستر دریا باقی‌مانده باشد.

۵- مین شناور: مینی که مهارشده باشد ولی احتمالاً در بعضی شرایط جزر و مد روی سطح آب مشاهده می‌شود.

۶- مین ارتعاشی: مین غوطه‌وری است که عمق خود را با استفاده از مکانیزم فشاری کنترل عمق، کنترل و حفظ می‌نماید.

۷- مین خرنده: مین شناوری است که توسط وزنه اتصالی به آن زیر سطح آب می‌ماند. این مین به صورت آزاد و در اثر جریان‌ات آب حرکت می‌نماید مثل مصب رودخانه و یا کانالی که به کار گرفته شده باشد.

۸- ساده، مغناطیسی، صوتی و غیره مین تأثیری که مقدار معینی از تأثیرات خاص را جهت عمل کردن نیاز دارد.

۹- مین تأثیری ترکیبی: مینی که به نحوی طراحی شده باشد تا در اثر دریافت دو نوع یا بیشتر از علائم و تأثیرهای تعریف شده به‌طور هم‌زمان و یا در فاصله زمانی تعریف شده، تحریک می‌گردد.

۱۰- مین دو فرکانسی: صوت بایستی در دو فرکانس متفاوت تحریک شود تا مین تحریک گردد. حجم نسبی هر دو فرکانس دریافتی بایستی در مقایسه با طیف صوت کشتی هم سویی داشته باشد (چنارانی، ۱۳۹۱: ۸۴).



اگر یک کشور ساحلی اقدام به ریختن مین‌های جنگی در آب‌های سرزمینی خود نماید و در دادن هر نوع اخطار و یا اطلاع‌رسانی به کشتی‌های سایر دولت‌ها که دارای حق دسترسی و یا عبور می‌باشند قصور ورزد، نقض تعهدات حقوق بین‌الملل قراردادی و عرفی خواهد بود. از این رو هنگامی که تهدید امنیتی خاتمه می‌یابد، بایستی مین‌های مسلح برچیده شده و یا بی‌ضرر شوند.



۲- قواعد حاکم بر مین ریزی در زمان مخاصمه مسلحانه دریایی

کنوانسیون هشتم ۱۹۰۷ لاهه بر اساس تمایز بین دو نوع مین زیردریایی که در اثر برخورد منفجر می‌شود، پی‌ریزی شده است، بند ۱ ماده ۱ قرارداد مذکور مقرر می‌دارد که کار گذاشتن و استفاده از مین‌های شناور خودکار تماسی ممنوع است مگر آنکه به گونه‌ای تعبیه شده باشند که حداکثر یک ساعت پس از قطع کنترل از سوی طرف مین‌گذارنده

منفجر و یا خنثی شوند. بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون هشتم نیز، بیانگر آن است که اصل بر قانونی بودن کاربرد مین‌های تماسی خودکار ثابت است مگر آنکه این مین به فوریت پس از قطع طناب اتصال لنگر مهارکننده آن خنثی نشده باشد.

ماده ۲ کنوانسیون لاهه، دولت‌ها را از ریختن مین‌های تماسی خودکار در سواحل و بنادر دشمن، تنها با هدف وقفه در کشتیرانی تجاری ممنوع کرده است. از سوی دیگر، ماده ۳ کنوانسیون هشتم لاهه طرفین متخاصم را ملزم به رعایت کلیه جوانب احتیاط به منظور حفظ امنیت دریانوردی برای کشورهای غیر متخاصم می‌نماید (کنوانسیون هشتم لاهه، ۱۹۰۷: مواد ۱-۲-۳). به پیروی از ماده ۵، قراردادهای متارکه جنگ همواره کشور مغلوب را به جمع‌آوری مین‌های خود ملزم می‌کنند (رسو، ۱۳۶۹: ۲۷۲) اما عملیات مین‌روبی باید توسط دولتی به اجرا درآید که خود اقدام به مین‌گذاری نموده و همچنین می‌تواند توسط غیر متخاصمین انجام شود (سیفی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۰).

هرچند اکثر مفاد کنوانسیون‌های لاهه در قیاس با دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی، هنوز هم قابل اجراست. لیکن در سال ۱۹۸۷ موسسه بین‌المللی حقوق بشردوستانه سان رمو و با همکاری سازمان جهانی صلیب سرخ در سال ۱۹۹۴ دستورالعمل سان رمو را بر اساس حقوق بین‌الملل ایجاد کردند که برای مخاصمات مسلحانه در دریا کاربرد دارد (همان).

۳- مشروعیت به‌کارگیری فناوری مین‌های دریایی در زمان صلح

اصولاً اجرای فعالیت‌های نظامی در دریاها صرف‌نظر از فعالیت کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی، قرار دادن یا به آب انداختن تسلیحات، استقرار پایگاه‌های



موشکی یا ماهواره‌هایی را که برای نظارت و کسب اطلاعات در فضای اقیانوس قرار داده می‌شوند را در برمی‌گیرد. به‌طور کلی در خصوص انجام فعالیت‌های نظامی در کنوانسیون‌های حقوق دریاها مقررات خاصی موجود نیست و مقررات حاکم بر انجام چنین فعالیت‌هایی غالباً مبتنی بر حقوق بین‌الملل عرفی یا پاره‌ای از معاهدات بین‌المللی است که دارای قلمروی محدود بوده و همواره در معرض تأویل و تفسیرهای مختلف قرار می‌گیرند (همان: ۱۵۱).

درواقع هر کشور می‌تواند در زمان صلح در صورت نیاز و صلاحدید و در جهت تأمین منافع امنیتی‌اش، آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی و مجمع‌الجزایری خود را مین‌گذاری کند که در این صورت باید با ثبت موقعیت دقیق مکان آنها، به‌صورت جهانی همه را از وجود آنها آگاه کند (به‌صورت مناسب و همگانی) و پس از آن سریعاً باید پاک‌سازی و در محل از بین برونند و یا خنثی گردند (همان).

تقسیم‌بندی مین‌های دریایی به کنترل‌شده و مستقل از آن جهت حائز اهمیت است که هنگام به‌کارگیری هر کدام از آنها تهددات دولت‌ها نیز تغییر می‌یابد، به عبارت دیگر معمولاً آنها را می‌توان متناسب با قلمروهای دریایی به کار برد و به‌کارگیری آنها متأثر از مناطق دریایی باشد. آشکار است که به‌کارگیری مین‌های مسلح از نوع تماسی و شناور در زمان صلح و در هر کدام از قلمروهای دریایی تهدیدی بالقوه برای کشتیرانی بی‌ضرر و صلح‌آمیز می‌باشد. در حالی که مین‌های کنترل‌شده می‌توانند در زمان صلح کار گذاشته شوند و بزرگترین مزیت آن کنترل کردن مسیرهای مهم کشتیرانی در شرایط بحرانی باشد. این مین‌ها با ابزارهای خاص و در ایمنی کامل کار گذاشته می‌شوند

و وقتی پارامترهای تعیین شده به حد کافی برسد، منفجر خواهند شد. مین‌های کنترل‌شده هیچ‌گونه اثر مخربی ندارند، مگر تا زمانی که طبق دستورات و فرامینی که قبلاً دریافت کرده فعال بشود و به یک مین مسلح تبدیل شود، درواقع مستلزم یک اقدام مؤثر برای مسلح شدن می‌باشند؛ زیرا مین‌های کنترل‌شده خطری برای دریانوردی ایجاد نمی‌کند و هنگام به‌کارگیری آنها اطلاع‌رسانی بین‌المللی الزامی نیست (همان). در گذشته مین‌های کنترل‌شده، فناوری‌های بحث‌انگیز و خطری بالقوه برای دریانوردی تجاری محسوب می‌شدند؛ اما امروزه با استفاده از سنسورهای پیشرفته‌تر این نگرانی تا حدودی کاهش یافته است. به‌گونه‌ای که مجوز استقرار مین‌های کنترل‌شده در مناطق خاصی پیش از وقوع درگیری‌ها داده‌شده است که نیازی به اطلاع‌رسانی از پیش یا نشانه‌گذاری خطوط دریایی تا وقتی که مین‌ها فعال شوند، نیست. رابطه این نوع از فناوری برای مخاصمات آینده بی‌نهایت به موقع و بارز است، به‌ویژه هنگامی که زمان کمی یا هیچ زمانی برای اخطار در مورد درگیری‌های در شرف وقوع وجود ندارد. این نوع از استراتژی و فناوری در چارچوب محدودیت‌های حقوقی، حقوق بین‌الملل قابل توجیه است (همان: ۱۵۲).

در مقابل مین‌های کنترل‌شده، مین‌های مسلح تماسی با توجه به طراحی‌شان، سلاح‌های بدون تفکیک هستند که قادرند ویرانی‌های خیلی بزرگی برای هر دو اهداف نظامی و طرفین ثالث بی‌ضرر به بار آورند؛ بنابراین استفاده از چنین مین‌هایی، به‌وسیله موافقت‌نامه‌های بین‌المللی قاعده‌مند شده است (کنوانسیون هشتم لاهه). هرچند قواعد مربوط به آنها بیشتر مربوط به یک مخاصمه مسلحانه دریایی

است، لیکن با توجه به ماهیت عرفی آنها، به‌کارگیری و استقرار در زمان صلح نیز، مستلزم اطلاع‌رسانی در مورد مین‌ها و محل آنها به جامعه بین‌المللی می‌باشد. چنانچه مین‌های تماسی شناور سرگردان باشند، ملزم‌اند فوراً بعد از جدا شدن از لنگرشان یا در چارچوب قاعده یک ساعت پس از اینکه کنترل متخاصمین بر آنها از دست می‌رود بی‌ضرر شوند. در همین راستا و در جهت تضمین امنیت کشتیرانی صلح‌آمیز و آزادی عبور و مرور، هر دولتی که مین‌های مسلح می‌ریزد ملزم به ثبت محل آن برای اطلاع‌رسانی مناسب به دریانوردان بوده و وقتی استقرار آنها برای مدت‌زمان طولانی مورد نیاز نباشند، ملزم به جمع‌آوری می‌باشند (همان).

۴- مین‌ریزی در دریاهای سرزمینی، آب‌های داخلی و آب‌های مجمع‌الجزایری دولت دیگر

بدیهی است که قبل از آغاز یک درگیری مسلحانه بین‌المللی، کار گذاشتن مین‌ها از هر نوعی در آب‌های سرزمینی، آب‌های داخلی یا آب‌های مجمع‌الجزایری یک دولت خارجی ممنوع است. حقوق تکالیف دولت‌ها در این شرایط قبل از وقوع درگیری، تابع هنجارهای حقوق صلح است. درواقع انجام مین‌گذاری در زمان صلح نقض حاکمیت سرزمینی دولت ساحلی و توسل به زور است، مگر اینکه مین‌گذاری با رضایت آن دولت انجام شده باشد (همان).

۵- مین‌ریزی در آب‌های تحت حاکمیت دولت مین‌گذار و آب‌های بین‌المللی

هر کشور می‌تواند بدون هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی یا اعلامی از هر دو نوع مین در آب‌های داخلی استفاده کند و مین‌های مسلح یا کنترل‌شده را در آب‌های داخلی‌شان در هر زمانی بدون اطلاع‌رسانی



دریانوردی در دریای سرزمینی اش می شود و از آن مطلع می شود را به نحو مناسب منتشر و اطلاع رسانی نماید.

ممنوعیت ریختن مین های جنگی در تنگه های بین المللی ناشی از این اصل است که تمام کشتی ها از حق آزادانه عبور ترانزیت از طریق تنگه های بین المللی برخوردار می باشند. این اصل با تعهد کشورهای ساحلی به عدم خلل در عبور ترانزیت و دادن اعلان مناسب برای هر نوع خطری برای کشتیرانی بی ضرر در تنگه های بین المللی، تقویت شده است. علاوه بر این برخلاف عبور بی ضرر، عبور ترانزیت نمی تواند تعلیق شود، همچنین این تعهدات در خصوص آب های مجمع الجزایری به کار برده می شوند. در بین خطوط دریایی مجمع الجزیره ای نیز که راه های مواصلاتی مشخص گردیده، رژیم عبور مجمع الجزیره ای اعمال می گردد. در این نوع عبور، کشتی های جنگی و هواپیماها می توانند طبق ضوابطی دریانوردی کرده و کشور مجمع الجزیره ای مجاز به تعلیق حق عبور نمی باشد. مقررات مربوط به عبور از آب های مجمع الجزیره ای کم و بیش مشابه عبور ترانزیتی از تنگه های بین المللی می باشد و کشور ساحلی ملزم به تعیین راه های ترانزیتی دریایی و هوایی با هماهنگی و همکاری سازمان های بین المللی ذی ربط می باشد (همان: ۱۵۴). از این رو، با توجه به نوع مین به کار رفته، بدون تردید به کارگیری مین های مسلح در زمان صلح، از آنجاکه مخاطرات فراوانی برای کشتیرانی صلح آمیز دارد نمی شود که در تنگه های بین المللی یا خطوط دریایی مجمع الجزایری قرار داده شوند. لیکن از آنجاکه مین های کنترل شده هیچ تأثیری بر عبور ترانزیت ندارد، هیچ دلیلی برای رد حق به کارگیری آنها توسط دولت ساحلی در تنگه های بین المللی وجود ندارد.

دادگستری در قضیه نیکاراگوئه تأکید کرد که یک دولت هراندازه در آب هایی که کشتی های سایر دولت ها از حق دسترسی یا عبور در آن برخوردارند، مین گذاری کند و در دادن اخطار یا اطلاع مغایر با کشتیرانی صلح آمیز به هر دلیلی قصور ورزد، این دولت مرتکب نقض اصول حقوق بین الملل و حقوق بشردوستانه که زیربنای برخی مقررات کنوانسیون هشتم ۱۹۰۷ لاهه است، شده است، لذا اگر مین های کار گذاشته شده در دریای سرزمینی تهدیدی برای کشتیرانی صلح آمیز در پی داشته باشند، باید به طور مؤثر اخطار داده شود. بر این اساس، مین گذاری آب های سرزمینی توسط خود دولت، تنها هنگامی مجاز است که کشتیرانی صلح آمیز تحت تأثیر آن قرار نگیرد یا ملاحظات اساسی امنیتی اقتضا نماید؛ بنابراین اگر دولت هایی مانند سوئد، مین های کنترل شده را در آب های سرزمینی در شرایط صلح کار بگذارند، نه متعهد به اطلاع دادن و نه متعهد به صدور اخطارند. تنها هنگامی که مین ها فعال شوند، حق موقت تعلیق عبور بی ضرر، تعهد به صدور اخطار قبلی را به وجود می آورد؛ اما اگر دولت ساحلی مین های مسلح شده را در آب های مجمع الجزایری و دریای سرزمینی اش قرار دهد، ملزم است که اطلاع رسانی بین المللی مناسبی در خصوص وجود و محل چنین مین هایی ارائه دهد و به محض اینکه مین های مسلح تهدید امنیتی محسوب شوند بایستی جمع آوری شده یا بی ضرر شوند و کاربردهای بی درنگ خاتمه یابد (همان: ۱۵۳).

البته بر اساس مفاد بند ۱ و ۲ مواد ۵۱ کنوانسیون ۱۹۵۸ دریای سرزمینی و نیز مفاد بند ۲ ماده ۴۲ کنوانسیون حقوق دریاها، دولت ساحلی متعهد است که خبر وجود هرگونه خطری را که متوجه

به دیگران بریزند. دولت ها در برابر تضمین ایمنی کشتیرانی در حال عبور از آب های داخلی چه به قصد ورود و چه خروج متعهد بوده و بایستی تمهیدات لازم در ارتباط با این امر را مدنظر قرار دهند. در رابطه با دریای سرزمینی و آب های مجمع الجزیره ای، اساساً در زمان صلح، دولت ساحلی مجاز است که دریاها، سرزمینی و آب های مجمع الجزایری اش را مین گذاری نماید. با این وجود، کشتی های همه دولت ها از حق عبور بی ضرر از دریای سرزمینی و آب های مجمع الجزایری برخوردارند، پس حق دولت ساحلی در ریختن مین های مسلح در آب های تحت حاکمیتش به واسطه تعهد به عدم خلل در عبور مناسب و بی ضرر کشتی های خارجی تعدیل شده است. این قاعده از هر دو حقوق بین الملل قراردادی (ماده ۲۵ کنوانسیون حقوق دریاها) و عرفی مشتق شده است. کشور ساحلی بر اساس ماده ۵۲ حق دارد عبور بی ضرر را به منظور تأمین امنیت ملی و به هنگام رزمایش های نیروهای مسلح به حالت تعلیق درآورد، لیکن در چنین شرایطی، تعلیق بایستی موقتی و صرفاً در مناطق خاصی از دریایی سرزمینی به اجرا درآید؛ به عبارت دیگر، حق بر انجام این امر یک حق استثنایی است. اگر یک کشور ساحلی اقدام به ریختن مین های جنگی در آب های سرزمینی خود نماید و در دادن هر نوع اخطار و یا اطلاع رسانی به کشتی های سایر دولت ها که دارای حق دسترسی و یا عبور می باشند قصور ورزد، نقض تعهدات حقوق بین الملل قراردادی و عرفی خواهد بود. از این رو هنگامی که تهدید امنیتی خاتمه می یابد، بایستی مین های مسلح برچیده شده و یا بی ضرر شوند. همچنین مین های شناور نیز باید برچیده شده و یا یک ساعت بعد از هر شرایطی که ریخته شده اند بی ضرر گردند. دیوان بین المللی

برداشت مذکور با جرح و تعدیل لازم، بر خطوط کشتیرانی مجمع‌الجزایری هم اعمال می‌شود (همان).

در رابطه با منطقه انحصاری اقتصادی بنا بر بند اول ماده ۸۵ کنوانسیون حقوق دریاها، مجوز فعالیت‌های نظامی، از جمله حق کشتی‌های جنگی در عملیات نمایشی و تمرین تسلیحات در منطقه انحصاری اقتصادی قابل استنباط است، جایی که اظهار می‌دارد، گذشته از آزادی کشتیرانی، پرواز بر فراز دریاهای آزاد و قرار دادن کابل‌های زیردریایی (ماده ۸۷) همه کشورها را این منطقه یعنی منطقه انحصاری اقتصادی بهره می‌برند. در برابر این نوع مجوز، بند ۳ ماده ۸۵ سایر دولت‌ها را ملزم می‌کند که به هنگام استفاده از حقوق خود، در منطقه انحصاری اقتصادی حقوق دولت ساحلی را مدنظر قرار داده و مقررات دولت ساحلی را که بر طبق مفاد این کنوانسیون و سایر مقررات حقوق بین‌الملل وضع گردیده مراعات نمایند. همچنین ماده ۱۰۳ کنوانسیون حقوق دریاها از کلیه دولت‌ها می‌خواهد که به هنگام استفاده از دریاها از توسل به زور و یا تهدید به آنکه مغایر با اصول مندرج در منشور ملل متحد است خودداری نمایند و این مندرجات به نوبه خود هرچند به کسب رضایت از دولت ساحلی برای انجام فعالیت‌های نظامی مذکور در منطقه انحصاری اقتصادی صحه نگذاشته است، لیکن با مدنظر قرار دادن استفاده‌های صرفاً مسالمت‌آمیز از دریا و عدم توسل به زور و هرگونه عمل در مغایرت با اصول مندرج در منشور ملل متحد عملاً انجام چنین فعالیت‌هایی را در این منطقه به اهداف صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز محدود نموده است (همان: ۱۵۴).

همچنین در مورد فلات قاره، طبق نظری که به‌طور گسترده تحت رژیم کنوانسیون

۱۹۵۸ در مورد فلات قاره پذیرفته‌شده است، تأسیسات نظامی می‌توانند در بستر دریا مجاور به دولت ساحلی یا خارجی ایجاد شود، مشروط به اینکه آنها در حق دولت ساحلی برای استخراج و اکتشاف منابع طبیعی مداخله نکنند. این اصل به‌وسیله ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۸ حمایت شده است (همان: ۱۵۵).



قبل از آغاز یک درگیری مسلحانه بین‌المللی، کار گذاشتن مین‌ها از هر نوعی در آب‌های سرزمینی، آب‌های داخلی یا آب‌های مجمع‌الجزایری یک دولت خارجی ممنوع است. حقوق تکالیف دولت‌ها در این شرایط قبل از وقوع درگیری، تابع هنجارهای حقوق صلح است. درواقع انجام مین‌گذاری در زمان صلح نقض حاکمیت سرزمینی دولت ساحلی و توسل به زور است، مگر اینکه مین‌گذاری با رضایت آن دولت انجام شده باشد.



اساساً ریختن مین‌های جنگی در آب‌های بین‌المللی با اصل آزادی کشتیرانی و همچنین به‌عنوان تکلیف کشورها به رعایت استفاده صلح‌آمیز از دریاهای آزاد که در کنوانسیون حقوق دریاها مورد شناسایی قرار داده‌شده است، در تضاد می‌باشد؛ واقعیت بر آن است که قواعد مربوط به ریختن مین‌ها در آب‌های بین‌المللی در زمان صلح و تعهد دولت مین‌گذار به اقدامات مقتضی در برابر حقوق سایر دولت‌ها نامعین می‌باشد (همان).

استقرار مین‌های مسلح شده در آب‌های بین‌المللی بایستی تحت شرایطی انجام

شود، اطلاع‌رسانی قبلی در خصوص محلشان انجام و دولتی که مین‌های مسلح را قرار داده است بایستی با حضور مؤثر خود در منطقه، زمینه اخطارهای مناسب به کشتی‌هایی که به منطقه خطر نزدیک می‌شوند را فراهم و تضمین نماید و به محض رفع شدن خطر قریب‌الوقوع، سریعاً آنها را جمع‌آوری و یا بی‌ضرر کند (همان). در مورد مین‌های کنترل نشده نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، بر اساس دستورالعمل نیروهای مسلح ایالات متحده، مین‌های کنترل شده می‌توانند در آب‌های بین‌المللی فراتر از آب‌های سرزمینی دولت ساحلی کار گذاشته شوند تنها با این قید که در مورد سایر موارد استفاده مشروع از اقیانوس‌ها مداخله نامعقولی ایجاد نکنند. اینکه موارد تشکیل دهنده مداخله معقول چیست، متضمن تعادل برخی از عوامل از جمله علت کار گذاشتن مین‌ها (دفاع مشروع)، محدوده و منطقه مین‌گذاری شده، مخاطرات (احتمالی) برای سایر روش‌های مشروع استفاده از اقیانوس و مدت‌زمان مین‌گذاری می‌باشد. در نهایت به دلیل اینکه مین‌های کنترل شده مخاطره‌ای برای دریانوردی ندارد، اطلاع‌رسانی بین‌المللی از محل آنها ضروری نیست (همان).

۶- مسئولیت بین‌المللی دولت مین‌گذار در پرتو تحلیل آراء دیوان بین‌المللی دادگستری

اعمال کارکنان نیروهای مسلح و به‌ویژه نیروی دریایی و کشتی‌های جنگی می‌تواند قابل انتساب به دولت باشد. از این‌رو هر رفتار خارج از قواعد حقوقی در به‌کارگیری ابزارهای دریایی از جمله مین‌های دریایی ممکن است موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت را فراهم آورد و نیز باعث مخدوش شدن وجه کشور در عرصه بین‌الملل شود. به عبارتی تخلف دولت در مین‌گذاری



ممکن است مبنایی برای مسئولیت بعدی در فرایند دادرسی قانونی شود، یا حتی برای دولت زیان دیده برای اتخاذ اقدامات متقابل و یا اتخاذ عملی طبق دکترین ضرورت باشد. البته بسته به مقیاس و آثار آسیب ناشی از مین گذاری، ممکن است حتی اقدام دولت مین گذار یک (حمله مسلحانه) تلقی شود که حق توسل به زور را به عنوان دفاع مشروع به دولت یا دولت هایی که به طور مستقیم به واسطه این حمله به آنها زیان وارد شده است را افزایش دهد (همان: ۱۵۶).

۷- ضرورت آموزش قواعد کنوانسیون حقوق دریاهای

هدف اصلی آموزش حقوق، برقراری صلح میان انسان ها، روابط بین فردی، گروه ها، کشورها، جوامع و فرهنگ هاست. برای نمونه در سند چشم انداز ایران در افق ۱۴۰۴، سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، گسترش همکاری های دوجانبه، منطقه ای و بین المللی، پرهیز از تشنج در روابط کشورها، تقویت روابط سازنده با کشورهای غیرمتخاصم و تحکیم روابط با جهان اسلام ترسیم و اعلام شده است؛ بنابراین برای رسیدن به این اهداف عالی با در نظر گرفتن تغییر و تحولات ملی بین المللی و جهانی، می بایستی تمامی عرصه ها در برنامه های آموزش عالی گنجانده شود (همان: ۱۵۸). ظهور کنوانسیون های بین المللی در عرصه فعالیت های دریانوردی و کشتیرانی، اهمیت آموزش قواعد حقوق دریاهای، خصوصاً برای ناوگان های نظامی را دوچندان کرده است. سازمان جهانی دریانوردی در سال ۱۹۷۸ اقدام به تصویب مقرراتی نمود که در آن کشورهای عضو را ملزم به آموزش دریانوردی زیر نظر آن سازمان و به صورت هماهنگ جهت پرورش نیروی انسانی متخصص دریانوردی می کرد و این

کنوانسیون در سال ۱۹۸۴ برای کشورهای عضو لازم الاجرا گردید (همان). بنابراین، بر کارکنان نیروی دریایی به عنوان پیشگامان رعایت قواعد بین الملل حقوق دریاهای، لازم است که شناخت کافی از قواعد حقوق دریاهای و نیز ظرفیت قوانین و مقررات داخلی کشور به منظور بهره گیری از ابزارهای دریایی را داشته باشند. در حقیقت، یکی از عوامل نقض حقوق بین الملل دریاهای و وقوع مسئولیت بین المللی در عرصه دریا، عدم آگاهی و اطلاع کارکنان نداجا و بعضاً دستگاه های نظامی از قواعد بین المللی و داخلی می باشد.

در زمینه آموزش حقوق بین الملل (به ویژه حقوق بین الملل دریاهای و حقوق مخاصمات مسلحانه) جهت کارکنان نظامی اصول خاصی وجود دارد. هدف از این اصول کمک به فرماندهان، کارکنان و مربیان در انجام وظایفشان به موجب حقوق بین الملل دریاهای می باشد.

- آگاه ساختن بالاترین رده های نظامی، در چهارچوب کنفرانس ها، نشست ها، کنفرانس فرماندهان و سایر فرصت ها با تأکید بر تعهد به وارد کردن قواعد حقوق بین الملل در سیستم آموزش نیروهای مسلح؛

- استفاده از اسناد مناسب آموزش، برای یک آموزش مفید و کارآمد بسیار حائز اهمیت می باشد. باید تضمین شود که اسناد مورد نظر در دسترس بوده و برای فرماندهان و مربیان قابل فهم باشند؛

- در برنامه جامع آموزشی سالیانه نیروی دریایی و دستورالعمل آموزشی ابلاغ شده به مناطق دریایی و دانشگاه نیروی دریایی حتماً بایستی سرفصل های آموزشی متناسب با آموزش حقوق دریاهای گنجانده شود؛

- همکاری نزدیک میان بخش های حقوقی، عملیاتی و آموزشی در عالی ترین

بخش های دفاعی و جنگی و ستادهای فرماندهی؛

- آموزش حقوق بین الملل باید متقاعد کننده باشد. فرد تحت آموزش باید به ضرورت رعایت حقوق بین الملل اعتقاد پیدا کند؛ بنابراین فرمانده یا مربی خود باید به این امر اعتقاد داشته باشد؛

- بحث آموزش حقوق بین الملل از حیث مهم بودن این موضوع باید با تأکید فرمانده نیروی دریایی نسبت به فرماندهان میانی همراه باشد؛

- آموزش حقوق بین الملل باید مکمل آموزش نظامی و فعالیت های تمرینی باشد.

آموزش حقوق بین الملل مربوط به عده ای خاص از کارکنان نمی باشد و همه کارکنان بایستی نسبت به آن آگاهی کاملی داشته باشند؛

- آموزش باید ساده و مستمر باشد. ساده بودن آموزش امری ضروری است؛

- آموزش جهت یادگیری کارکنان بایستی به صورت عملی و در محیط دریا انجام شود و به هیچ وجه نباید به آموزش های تئوری اکتفا نمود؛

- آموزش باید منعکس کننده تازه ترین اوضاع و شرایطی باشد که در آنها تعهدات مندرج در حقوق بین الملل به وقوع می پیوندد (همان)؛

- استفاده از مشاوران حقوقی نیروهای مسلح در آموزش حقوق بین الملل یکی دیگر از شیوه هایی است که زمینه رعایت اجرای حقوق را فراهم خواهد آورد؛

- در دانشگاه افسری که محل پرورش فرماندهان آینده قسمت های مختلف نیروی دریایی است و همچنین با توجه به بین المللی بودن و وسعت مأموریت های نیروی دریایی بایستی به موضوع حقوق دریاهای به عنوان یک الزام نگاه شود نه صرفاً به عنوان یک واحد درسی و تا زمانی که دانشجویان این موضوع را به خوبی

فرانگرفته‌اند، نباید از دانشگاه فارغ‌التحصیل شوند؛ زیرا قصور هر کدام از افسران فارغ‌التحصیل در این زمینه باعث زیر سؤال رفتن نیرو می‌شود و مخاطرات گاه‌گاه جبران‌ناپذیر برای کل کشور در دریا به همراه خواهد داشت، پس نسبت به

این موضوع باید دید آینده‌نگرانه داشت؛ - مبحث حقوق دریاهای باید در دروس آموزشی دوره مقدماتی دانشجویان افسری نیروی دریایی نیز گنجانده شود و این مبحث از حیث بااهمیت بودن بایستی در مدت مشخص در مراکز آموزشی مناطق

مختلف نیروی دریایی نیز به افسران و درجه‌داران آموزش و از آنان امتحان گرفته شود و بازخورد آموزشی آنان به اطلاع فرماندهان رده‌بالای نیروی دریایی برسد. در صورت انجام این کار این مبحث در بین کارکنان جدی گرفته خواهد شد.

برآمد

بدون تردید، به‌کارگیری مین‌های تماسی زیردریایی اتوماتیک و مین‌های شناور، فناوری‌های بحث‌انگیز و خطری بالقوه برای کشتیرانی صلح‌آمیز و تجاری می‌باشند. در مورد مین‌های دریایی، به غیر از بخشی از کنوانسیون هشتم لاهه ۱۹۰۷، هیچ معاهده‌ای که نظام مین‌های دریایی در حقوق بین‌المللی را قاعده‌مند نماید وجود ندارد، البته مفاد کنوانسیون هشتم لاهه نیز بیشتر مربوط به حقوق جنگ دریایی می‌باشد، لکن از آنجا که بیشتر مفاد آن عرفی می‌باشد، قابلیت اعمال در زمان صلح را نیز دارد.

در حقیقت مشروعیت به‌کارگیری مین‌های دریایی در زمان صلح توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای کورفو و نیکاراگوئه، ضمن رعایت قواعد حقوق دریاهای و احترام به حقوق سایر کشورها، مورد تأیید واقع شد. به‌گونه‌ای که مجوز استقرار مین‌های کنترل‌شده در مناطق خاصی حتی پیش از وقوع درگیری‌ها داده شده است و نیازی به اطلاع‌رسانی از پیش یا نشانه‌گذاری خطوط دریایی آن تا وقتی که مین‌ها فعال شوند، نیست. رابطه این نوع از فناوری برای تضمین امنیت دولت ساحلی و بحران‌های پیش رو به موقع و باارزش خواهد بود، این نوع از استراتژی و فناوری در چارچوب محدودیت‌های حقوقی، حقوق بین‌الملل قابل توجیه است؛ اما نبود قواعد خاص در بیشتر موارد منجر به مسائل قابل ملاحظه‌ای خواهد شد. قطعاً تجارب نیروی دریایی در جنگ عراق در زمینه مین‌ریزی و مین‌روبی دریایی می‌تواند در جنگ‌های آینده نیز کارساز و مورد استفاده قرار گیرد.

مسلماً، آموزش مداوم افراد و ایجاد آمادگی حرفه‌ای در آنان برای ایفای رسالت اجتماعی خود مهم و ضروری است و اهمیت این آموزش برای متصدیان برخی مشاغل از جمله نظامیان نیروی دریایی از آن جهت که به تناسب حرفه خود در معرض سوءاستفاده از قدرت عاریتی خویش‌اند و یا هرگونه خطای حرفه‌ای آنان آثار وحشتناک و غیرقابل جبران و مسئولیت دولت را در پی دارد، ضروری است.

در پایان این نوشتار چند پیشنهاد جهت ارتقاء سطح دانش و معلومات کارکنان ناوهای جنگی و سلسله‌مراتب فرماندهی در نیروی دریایی در رعایت حقوق دریاهای ارائه می‌گردد.

۱- برگزاری دوره‌های تخصصی آشنایی فرماندهان با حقوق بین‌الملل دریاهای یا اعزام افسران به دوره‌های تحصیلات تکمیلی حقوق بین‌الملل در مقاطع ارشد و دکتری؛

۲- گنجاندن آموزش‌های کاربردی آشنایی با حقوق بین‌الملل دریاهای و مسئولیت‌ها و مصونیت‌های کارکنان ناوهای جنگی در برنامه‌های آموزشی حین خدمت کارکنان به‌طور مستمر؛

۳- ایجاد مرکز مطالعات راهبردی حقوق دریاهای در مراکز آموزشی و پژوهشی مناطق مختلف نیروی دریایی ارتش؛

۴- چاپ و پخش کتاب مربوط به حقوق دریاهای در بین کارکنان و آزمون این کتاب‌ها و تشویق نفرات؛

۵- ترجمه متون کتاب‌های حقوق دریاهای مورد استفاده نیروهای دریایی سایر کشورها توسط مرکز مطالعات نداجا و در اختیار قرار دادن آن به پرسنل مناطق دریایی.

فهرست منابع

- ۱- آزاد، حسین و همکاران، سلاح و تجهیزات زیرسطحی و مین، نوشهر، انتشارات دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶
- ۲- چنارانی، عباس و همکاران، آشنایی با مین، نوشهر، انتشارات دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱
- ۳- سیفی، بهزاد و همکاران، مشروعیت به‌کارگیری فناوری مین‌های
- دریایی در زمان صلح، با تأکید بر ضرورت آموزش قواعد کنوانسیون، فصلنامه علمی و پژوهشی آموزش علوم دریایی، شماره ۱۵، ۱۳۹۷
- ۴- طحانی، غلامرضا، به‌کارگیری مین‌های دریایی در صحنه نبرد ناهم‌تراز، فصلنامه علوم و فنون نظامی، سال هشتم، شماره ۲۰، ۱۳۹۱
- ۵- عزیزاده، سیاوش و همکاران، استفاده نظامی از دریاهای و محدودیت آن از منظر حقوق بین‌الملل، کنفرانس بین‌المللی مدیریت دریایی، ۱۳۹۴